



نقش هویت ملی و جبهه مقاومت در سیاست خارجی روحانی

(۱۴۰۰-۱۳۹۲)

دکتر زهره پوستینچی^۱، معصومه علیانپور^۲

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

سیاست خارجی کشورها با هر پیشینه که باشند لاجرم در صحنه واقعیت‌های میدانی بر زمین می‌نشینند. سیاست خارجی ترکیبی از اهداف ترسیمی و راهکارهای انتخابی برای عملیاتی کردن اهداف و کامیابی در مدیریت چالش‌هایی است که توسط سایر بازیگران در برابر آن قرار می‌گیرد. هویت ملی مفهوم مرکزی است که در نظریه‌های جامعه‌شناسی روابط بین‌الملل مطرح است. به بیان دیگر، هرگونه کنش سیاسی بر اساس نشانه‌های هویتی، فرهنگی و هنجاری شکل گرفته و بازتولید می‌شود. ایران در سال‌های قرن ۲۱، گسترش هویت مقاومت را در دستور کار قرار داد. هویت مقاومت در یک دوران تاریخی توانست نقش مؤثری در ارتقاء و بهینه‌سازی کنش راهبردی ایران در حفظ تمامیت ارضی و استقلال عمومی کشور ایفا نماید. هویت به دلیل قابلیت‌های بالقوه‌ای که دارد توانست از تهدیدات نظامی و ژئوپلیتیکی سایر کشورها علیه ایران جلوگیری کند. ایران توانست بخشی از منافع ملی خود را از طریق بازتولید هویت مقاومت در محیط منطقه‌ای به دست آورد. شکل‌بندی‌های هویتی و هنجاری در قالب رهیافت سازه‌نگاری تبیین شده است. هدف از مطالعه هویت ملی و جبهه مقاومت را می‌توان ارزیابی روندهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۲ دانست. سوال اصلی پژوهش آن است که «هویت

^۱ گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول، ایمیل: z_poustinchi@azad.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری تخصصی روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ملی و جبهه مقاومت چه نقشی در تکوین و شکل‌گیری سیاست خارجی ایران در دوره روحانی داشته است؟» نتایج حاصل از تنظیم مقاله بیانگر این واقعیت است که نقش‌یابی ایران به‌عنوان بازیگر محوری جبهه مقاومت منجر به ارتقاء قابلیت راهبردی ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای شده است. جبهه مقاومت را می‌توان انعکاس ظهور سازوکارهای کنش هویتی دانست که در سال‌های ۲۰۰۱ به بعد و پس از اشغال عراق توسط آمریکا در محیط منطقه‌ای شکل گرفته و گسترش یافته است.

کلید واژگان: هویت ملی، سیاست خارجی ایران دوران روحانی، جبهه مقاومت، هویت مقاومت.

مقدمه

مجموعه سیاستگذاری خارجی دولت روحانی کوشیده با برساختن چهره‌ای متفاوت از جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازیگری فعال و مسئولیت‌پذیر در عرصه صلح و امنیت، تصویر برساخته پیشین از آن را تغییر داده و از این طریق زمینه کاهش تهدیدات و محدودیت‌های راهبردی علیه ایران را فراهم نمود. سیاست خارجی روحانی در چارچوب ساخت سیاسی ایران هدف بنیادین خود را اولویت بخشیدن به منافع ملی از طریق بازتولید کنش هویتی در حوزه جبهه مقاومت قرار داده است. در این فرآیند نه تنها قدرت منطقه‌ای ایران افزایش یافت، بلکه از این طریق شرایط برای کاهش تحریم و فشارهای اقتصادی علیه ایران به‌وجود آمد.

در سیاست خارجی کشورها «منافع ملی» مهمترین نقش را ایفا می‌کند. رویکردها و راه‌های دستیابی به منافع ملی کشورها متفاوت است. روحانی در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم با سه وعده انتخاباتی خود توانست آرای انتخاباتی را به دست آورد. در دوره روحانی اصول و گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی در تلاش برای دستیابی به منافع ملی و افزایش قدرت در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل، سیاست خارجی تعامل‌گرا و ارتقای روابط خارجی با جهان و به ویژه غرب، بهبود وضع اقتصادی و معیشت مردم و پایین آمدن نرخ تورم و به تبع آن

رونق کسب و کار، بهبود فضای سیاست‌ورزی و احیای حقوق شهروندی در داخل کشور بوده است.

روحانی توانست نشانه‌های تغییر در سیاست خارجی را به وجود آورده و محور اصلی رفتار منطقه‌ای خود را در قالب «گفتمان اعتدال» تنظیم نماید. ویژگی اصلی گفتمان اعتدال را می‌توان در «تنش‌زدایی»، «اعتمادسازی» و «بهینه‌سازی» کنش تعاملی با سایر کشورها در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی دانست. واقعیت‌های کنش منطقه‌ای و راهبردی ایران بیانگر آن است که تاریخ و تجارب ملی به طور قابل توجهی بر فرهنگ و رفتار استراتژیک یک دولت تأثیر می‌گذارند.

تجارب تاریخی ایران محور اصلی تشکیل «جهانبینی سیاسی» آن بوده و این امر زمینه پیوند منافع ملی با شاخص‌های مربوط به هویت و جبهه مقاومت را به وجود آورده است. نظریه‌پردازان فرهنگی روابط بین‌الملل بر این اعتقادند که قواعد هنجاری نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در روندهای سیاست خارجی کشورها داشته و بر اساس چنین انگاره‌ای است که روحانی اولاً از بنیادهای فرهنگ سیاسی ایران بهره گرفت و ثانیاً توانست بین منافع ملی و قالب‌های کنش هویتی در حوزه سیاست خارجی به ویژه در منطقه ژئوپلیتیکی جبهه مقاومت تأثیرگذار باشد (Padinand et al, 2023:369-388).

مبانی سیاست خارجی دولت روحانی بر پایه ارتقاء منافع ملی و بهینه‌سازی امنیت ملی کشور از طریق کنش تعاملی با حوزه راهبردی جبهه مقاومت بوده است. تحقق این امر نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهایی همانند «مصلحت‌گرایی» و «عمل‌گرایی» به‌عنوان محورهای اصلی سیاست خارجی خواهد بود. بهینه‌سازی روند سیاست خارجی ایران در دوره روحانی را می‌توان انعکاس بهره‌گیری از

کارگزاران اصلاح طلب و راهبردی دانست. جهت گیری سیاست خارجی روحانی معطوف به راهبرد اعتدال بوده که زمینه توسعه اقتصادی کشور از طریق کنش تعاملی با قدرت های بزرگ را فراهم می ساخت.

۱- تبیین موضوع

سنجش منافع ملی ایران در سیاست خارجی روحانی مبتنی بر ارتقاء قابلیت های راهبردی به عنوان واقعیت عینی و مادی بوده که پشتوانه سیاست خارجی هویتی در حوزه ژئوپلیتیکی جبهه مقاومت قرار می گرفت. چنین انگاره ای مبتنی بر نشانه هایی از «عقلانیت راهبردی»، «تجددگرایی تکوین یافته» و «بهینه سازی کنش تعاملی» با نیروهای متعارض در عرصه سیاست خارجی است. هر یک از شاخص های یاد شده بخشی از محورهای مدیریت بحران محسوب می شود.

گمانه زنی و آینده پژوهی برای آینده سیاست خارجی کشورها به طور عام و درباره ایران و جبهه مقاومت به طور خاص تا حد زیادی در گرو مطالعه و فهم ما از سیاست خارجی کشور در گذشته و حال می باشد. منطقه غرب آسیا به جهات سیاسی، راهبردی و اقتصادی محل تلاقی و تعارض منافع و خواست قدرت ها و در نتیجه بروز جنگ ها، خشونت ها و تحولات مختلف بوده است. منطقه غرب آسیا همواره به لحاظ صلح سازی و فرآیندهای معطوف به ثبات و امنیت جهانی با چالش های درون ساختی و بیرونی روبرو بوده است.

در طول دهه های گذشته، خواست ابرقدرت ها همواره تسلط و سیطره بر این منطقه بوده و در نتیجه ریشه بسیاری از ناامنی ها، جنگ ها و خشونت ها حضور و دخالت کشورهای فرامنطقه ای بوده است. به دلیل همین شرایط خاص منطقه غرب

آسیا است که اگر کشوری یا گروهی در این منطقه، در جهت خلاف اهداف و سیاستهای قدرتهای استکباری حرکت کرده‌اند مانند جمهوری اسلامی ایران و دیگر اعضای محور مقاومت با انواع فشارهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی روبرو شده‌اند و کمپین رسانه‌ای نیز در جهت تولید ادبیات منفی و تأمین اهداف قدرتهای استکباری به خدمت گرفته شده است.

نقش‌یابی ایران در فضای امنیت منطقه‌ای غرب آسیا، معادله قدرت و هویت را تحت تأثیر قرار داد. مشکلات منطقه‌ای عموماً به واسطه حضور و دخالت قدرت‌های بین‌المللی بوده است. ایران از هویت مقاومت پیروی می‌کند تا از تمامیت ارضی و سیاسی خود محافظت کند، منافع ملی خود را به حداکثر برساند و از تهدیدات نظامی و ژئوپلیتیکی جلوگیری کند. ایران سعی داشته هویت اسلامی انقلابی خود و مشروعیت خود را حفظ کند و امنیت رژیم را تضمین کند (ساداتی نژاد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۰-۸۹).

اصلی‌ترین هدف این پژوهش، بررسی و تبیین انگاره‌های هویتی و جبهه مقاومت و تاثیر ارزش‌ها و هنجارهای ملی بر تکوین سیاست خارجی دولت روحانی و تحلیل و تبیین نقش جبهه مقاومت است. در این پژوهش سعی بر ارائه یک برداشت جامع از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، با تاکید بر دوره ریاست جمهوری روحانی است، سوال اصلی پژوهش این است که «هویت ملی و جبهه مقاومت چه نقشی در تکوین سیاست خارجی مقاومت‌محور در دوران حسن روحانی داشته است؟»

۲- روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی و تحلیلی است. در این پژوهش ضمن توصیف قالب‌های مفهومی هویت ملی و جبهه مقاومت، به تحلیل روابط و سیاست خارجی ایران در دولت روحانی بر اساس ساختار، نظام معنایی و قالب‌های هویتی در حوزه جبهه مقاومت پرداخته می‌شود. فنون گردآوری و تحلیل اطلاعات نیز با توجه به نوع تحقیق، براساس روش کتابخانه‌ای و اسنادی و بهره جستن از آثار مکتوب شامل کتاب، مقاله، بیانیه و گزارش و آثار الکترونیک می‌باشد.

۳- قالب‌های مفهومی

پژوهش حاضر از نظر مفهومی بر سه بنیاد مفهومی ذیل استوار است:

۳-۱- سیاست خارجی

در مورد مفهوم سیاست خارجی تعریف جامع و کاملی در میان نظریه‌پردازان وجود ندارد و هر اندیشمندی با توجه به چارچوب فکری و دیدگاه خود تعریف خاصی مشخص کرده است. در نگرش فرآیندی، سیاست خارجی به مجموعه خط‌مشی‌ها، تدابیر، گزینش و اتخاذ مواضع و ابزارهایی گفته می‌شود که کشورها در امور و مسائل خارجی و در راستای اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی، برای بهینه‌سازی منافع و قدرت ملی خود از آن بهره می‌گیرند.

در نگرش ساختاری، روندهای سیاست خارجی مجموعه اقدامات از پیش تعیین شده محسوب می‌شود که از سوی تصمیم‌گیران حکومتی با هدف رسیدن به اهدافی مشخص در چارچوب سیاست‌های کلی نظام سیاسی اتخاذ می‌شود. هرگونه

سیاست خارجی ارتباط مستقیم با ساخت نظام بین‌الملل دارد. تنظیم سیاست خارجی شامل تدوین و اجرای اهداف و منافع ملی است که در عرصه بین‌المللی از طرف دولت‌ها انجام می‌گیرد (خانی، ۱۴۰۰: ۷-۶).

۲-۳- جبهه مقاومت

جبهه مقاومت مجموعه‌ای از بازیگران منطقه‌ای محسوب می‌شود که دارای انگاره‌های هویتی و ایدئولوژیک می‌باشد. محور اصلی تفکر این افراد، مقابله با سیاست‌های تهاجمی امریکا و اسرائیل در محیط منطقه‌ای است. برای تحقق این امر، جمهوری اسلامی از تلاش راهبردی مردم یمن، سوریه، عراق، لبنان و فلسطین برای حفظ هویت و مقابله با تهدیدات حمایت به عمل می‌آورد. حمایت ایران از حزب‌الله لبنان و انصارالله در زمرهٔ چنین انگاره‌ای می‌باشد.

۳-۳- هویت مقاومت

جبهه مقاومت بازیگرانی با رویکرد مشابه در سایر نقاط جهان از جمله آمریکای لاتین را نیز شامل می‌شود. کاستلز می‌گوید هویت مقاومت شکل‌هایی از مقاومت جمعی را در برابر ظلم و ستم ایجاد می‌کند که تحمل‌ناپذیر بودند و هویت مقاومت بر مبنای هویت‌هایی ساخته می‌شود که به وسیله تاریخ، جغرافیا یا زیست‌شناسی تعریف شده‌اند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۶).

۴-۳- هویت ملی

هویت ملی زیرمجموعه هویت جمعی است و به معنای حس تعلق به اجتماع ملی می‌باشد، ولی به عنوان پدیده‌ای فرهنگی، مشخصات و مؤلفه‌های آن از قبیل خاطرات و سرزمین مشترک، فرهنگ عمومی مشترک و زبان مشترک و... مخلوق

دوران مدرن نیستند، بلکه تاریخی و پیشامدرن هستند. اکثر صاحب‌نظران هم عقیده‌اند که هویت ملی یا هویت جامعه‌ای، عام‌ترین سطح هویت جمعی هر کشوری است. دکتر نقیب‌زاده، هویت ملی را شامل مشخصاتی می‌داند که سبب تمایز یک ملت از ملت دیگر می‌شوند. این مشخصات سبب تمایز جامعه‌ای از اجتماعات و تشکل‌های جمعی دیگر می‌شوند. هویت ملی به سه ویژگی بستگی دارد: اول وجود فرهنگ و مشخصه‌های فرهنگی. دوم، آگاهی از مشخصه‌های فرهنگی و سوم، حس تعلق به یک مجموعه فرهنگی.

۴- چارچوب نظری

موضوع اصلی مقاله مربوط به هویت مقاومت و قالب‌های مرتبط با سیاست خارجی ایران است. در این ارتباط می‌توان از رهیافت‌های «سازه‌انگاری» و «ساختار هویت» باری بوزان در تبیین روندها و ضرورت‌های سیاست خارجی بر اساس قالب‌ها و قواعد کنش ارتباطی کشورها بهره گرفت.

۴-۱- سازه‌انگاری

سازه‌انگاران دولت‌ها را اصلی‌ترین کنش‌گران نظام بین‌الملل می‌دانند ولی معتقدند که کنش دولت‌ها به عنوان اصلی‌ترین کنش‌گران نظام بین‌الملل، مدام برداشت از «خود» و «دیگری» را در بین آنان تولید و بازتولید می‌کنند. بنابراین هویت دولت‌ها همیشه امری در فرایند است. سازه‌انگاری با تمرکز بر روی هویت، یکی از نیازهای سطح بالاتر یعنی نیاز «تعلق داشتن» و «شناخته شدن» و از طرف دیگر، نیاز به «حساب آمدن» را در حوزه سیاسی و کنش ارتباطی مورد توجه قرار می‌دهد.

«ونت» یکی از بنیانگذاران سازه‌انگاری، اهمیت هویت درباره منافع را به گونه‌ای می‌داند که بدون هویت منافعی نیز وجود نخواهد داشت و تنها زمانی به بحث منافع می‌رسیم که هویت داشته باشیم؛ و اساساً بر مبنای هویت خود به دنبال منافع می‌رویم. از این رو اگر سازه‌انگاری به مسئله‌ای اساسی‌ای در زندگی انسان (غیر از ثروت یا امنیت) پرداخته باشد، آن هویت افراد، به منزله کارگزاران است (شکری رفسنجانی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۳۳-۱۰۵).

از گزاره‌های مهم سازه‌انگاری، برساختگی هویت است. هویت (فهم از خود) هنگامی معنا می‌شود که در رابطه با دیگران معنا شود. هویت‌ها شخصی یا فردی نیستند و بطور کلی مفهومی اجتماعی محسوب می‌شوند و در تعامل کنش‌گر با دیگران و در رابطه با دیگران تعریف می‌شوند. معمولاً هویت‌های سیاسی نیز پیوسته و وابسته به تعامل کنش‌گران سیاسی با دیگران در چهارچوبی نهادی هستند و هویت دولت و هویت ملت، در رابطه با دیگر ملت‌ها و دولت‌ها بوجود می‌آیند و تعریف می‌شوند. همچنین هویت کنش‌گران سیاسی بصورت روابط آنان با واحدهایی که خارج از مرزهای سرزمینی آنان قرار دارند، تعریف می‌شود (سازمند و ترک تبریزی، ۱۳۹۱: ۵۴).

۲-۴- انگاره هویت و ساختار بری بوزان

«بری بوزان» انگاره تحلیلی خود را در قالب مفهومی هویت و کنش ارتباطی آن با ساختار نظام بین‌الملل مورد توجه قرار می‌دهد. بوزان بر این اعتقاد است که هرگونه کنش رفتاری می‌بایست در قالب ضرورت‌های ساختاری نظام بین‌الملل تنظیم شود. نادیده گرفتن قواعد ساختاری، گروه‌های هویتی را با چالش روبرو

می‌سازد. سیاست بین‌الملل نیز در نگاه این‌گونه از نظریه‌پردازان، در نهایت از طریق ارتباطات و تعامل میان واحدهای آن تعیین می‌شود.

در این رویکرد، روایتها در قالب گفتمان‌ها مطرح میشوند، اهداف و منافع ملی اموری ثابت، عینی، دقیق و از پیش تعیین شده نیستند بلکه همه آنها به صورت بینادذهنی شکل گرفته و بیان می‌شوند و معمولاً گفتمانهایی که قدرت را در دست میگیرند، برای مشروعیت بخشی به روایتهای خودشان، روایت خود را از منافع و اهداف به‌صورت منافع ملی مطرح می‌سازند (شکری رفسنجانی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۰۵-۱۳۳).

انگاره هویت و ساختار در مقابل جریان اصلی روابط بین‌الملل قرار داشته و مبتنی بر هویت کنش‌گرانی است که در نظام بین‌الملل به رقابت‌های راهبردی مبادرت نموده و همواره تلاش دارند تا زمینه ایجاد برساختگی قدرت و منافع را تنظیم نمایند. در این شرایط نه تنها قالب‌های هویتی و ساختار بین‌الذهنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود بلکه همواره می‌بایست زمینه‌های شناخت قالب‌های کنش ساختاری بازیگران را نیز مورد توجه قرار داد.

۵- هویت‌یابی در تحلیل سیاست خارجی

عوامل متعددی نقش اصلی را در شکل‌گیری سیاست خارجی یک کشور دارند. می‌توان استدلال کرد که اگرچه هویت ملی یک کشور کاملاً تعیین‌کننده نیست، اما در تعیین اهداف نقش دارد و مسیر یا برنامه عملی پیشنهادی برای سیاست خارجی آن را شکل می‌دهد. از آنجا که هویت‌ها، منافع و کنش بازیگران را شکل می‌دهند، درک درست آنان برای تحلیل سیاست خارجی و رفتار بین‌المللی بازیگران حیاتی است. سازه‌انگاران معتقدند، آنچه بازی و بازیگران را در سیاست جهانی شکل

می‌دهد، ایده‌ها هستند.

هویت محور اصلی کنش بازیگرانی محسوب می‌شود که از انگیزه کنش ارتباطی برای بهینه‌سازی روابط متقابل بهره می‌گیرند. هرگاه ایده‌های رفتاری، هنجاری باشند، فقط بازیگران را محدود نمی‌کنند، بلکه بازیگرانی را شکل داده و واکنش را امکان‌پذیر می‌کنند. سازه‌انگاران با طرح مسأله ایده‌ها و هنجارها و هویت به این نتیجه می‌رسند که رفتار دولت تابع آنچه چیزی است که فکر می‌کنند و مناسب تشخیص می‌دهند است، نه آنچه قدرت انجام آن را دارند. نظام باورها و ارزش‌های مشترک، سرشتی ساختاری دارند و بر کنش و رفتار خارجی کشورها اثر می‌گذارند. هویت ملی یک کشور سه ویژگی را بیان می‌کند: اول، یک «واقعیت تاریخی»، هویت ملی مبتنی بر مجموعه‌ای از موقعیت‌ها، تجربیات، نقاط عطف و غیره است. دوم، هویت ملی شامل زمینه‌ای است که از یک چارچوب نهادی ناشی می‌شود، یعنی از طریق مجموعه‌ای از رویدادها در طول زمان ساخته می‌شود و در نهایت در قالب برخی از نهادها و سیاست‌های دولتی معین، ظهور شخصیت‌های سیاسی خاص، متفاوت از شخصیت‌های سایر کشورها، تحقق می‌یابد.

سوم، بیانگر یک «واقعیت رابطه‌ای» است، هویت در خلأ کامل ایجاد نمی‌شود، بلکه نیازمند تعامل، تماس و ارتباط با بازیگران خارجی مختلف است. ملت‌ها با متمایز کردن خود یا احساس تعلق به سایر کشورها، به این سوال که «ما که هستیم» پاسخ می‌دهند. علاوه بر این، نحوه درک و عمل «دیگران» نسبت به یک کشور خاص می‌تواند تأثیر زیادی در هویت آن کشور داشته باشد و شکل‌گیری سیاست خارجی آن. به طور خلاصه، هویت ملی هم از فرآیندهای داخلی و هم از تعاملات با هم‌تایان مستقر در خارج از کشور ناشی می‌شود.

ساخت سیاست خارجی به مسائل خودپنداره و خودبازنمایی شده ارتباط داشته و این امر مبتنی بر درک متقابل با حوزه «خودی» و «دیگری» است. از آنجا که هویت یک کشور بر تعریف و دامنه منافع ملی و در نتیجه، طرح کلی و مشخصات سیاست خارجی آن تأثیر می‌گذارد، یک هویت ملی منسجم به دفاع بهتر، آسان‌تر و فعال‌تر از منافع حیاتی یک کشور کمک می‌کند. این موضوع، کلید تعریف و بازتعریف گزینه‌های استراتژیک یک کشور در بحبوحه تغییرات در نظام جهانی است. هرچه انسجام ملی بیشتر باشد، هزینه‌ها کمتر و مزایای بالقوه‌ای برای کشورها حاصل می‌شود (Álvarez Portas, 2020:2-3).

۶- عناصر هویت ملی جمهوری اسلامی ایران

از دیدگاه اندیشمندان ایرانی هویت ملی ایرانیان از سه مولفه «ایران‌گرایی»، «اسلام‌گرایی» و «تجددگرایی» تکوین یافته است. در این بخش به طور خلاصه به هر کدام از این مؤلفه‌ها می‌پردازیم:

۱-۶- ایران‌گرایی

در چارچوب ایران‌گرایی، ملت و ملیت ایرانی، مهمترین منبع هویت ملی ایران هستند. در واقع ملت، ارزش حیات و منزلتی مستقل و قائم به ذات دارد. با توجه به تعریف ملت عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده هویت ملی ایران، سرزمین یا حیطه جغرافیایی، جمعیت، زبان، نژاد، مذهب، تاریخ مشترک، فرهنگ و سنت‌ها، ساختار سیاسی مشترک و روابط اقتصادی هستند. بعضی تنها عنصر و کانون‌محوری ملت و به تبع آن هویت ملی را وحدت سرزمین ایران بیان کردند. بنابراین هویت ملی، در درجه نخست یک موضوع جغرافیای سیاسی است و مربوط به چگونگی

پیدایش و بقای ملت ایران و احساس تعلق به آن است.

۲-۶- شیعہ گرایی

از آنجا که مذهب شیعه به این وسیله به هویت ملی ایرانیان و شفاف نمودن مرزهای ملی، فرهنگی و دینی آنان با سایر اقوام کمک بسیاری کرد، خود به خود به صورت عنصر مؤسس ایران جدید و احیای عظمت گذشته و نماد و استقلال این کشور جلوه گر شد. بنابراین آنچه به کنش ایرانیان در عرصه داخلی و خارجی جهت می دهد، مذهب شیعه است. برخلاف روایت ملی گرایی که حول محور ملیت و ایرانیت است، نقطه کانونی و مرکز ثقل روایت اسلام شیعی، از هویت ملی ایران، «اسلامیت» است.

اسلام گرایی که مطابق آموزه‌ها، تعالیم و دستورات قرائت شیعی از اسلام، استوار است، مردم ایران را ملتی مسلمان بیان کرده که مهمترین منبع هویت و مرجع وفاداریشان اسلام و تشیع است. آنچه که ملت ایران را از سایر ملت‌ها متمایز می کند و مرز «خود» و «دگر» را ترسیم می کند، اسلام شیعی است، بنابراین جمهوری اسلامی ایران دولتی اسلامی شیعی است که از سایر کشورها متمایز می شود. درحالی که با طیف گسترده‌ای از کشورهای سنی مذهب احاطه شده است.

۳-۶- تجدد گرایی

ورود تجدد به ایران باعث دومین گسست مهم فرهنگی در جامعه ایران شد. اثرات بسیار برخورد با غرب به ایجاد رمزهای فرهنگی جدیدی انجامید که بسیاری از عناصر نظام فرهنگی سنتی را به چالش کشید، این چالش شاخص ترین مسأله دوپست ساله اخیر و محور اصلی کشمکش‌های سیاسی و اجتماعی این دوره است. بیشتر کسانی که فرهنگ سیاسی ایران را مطالعه کرده‌اند، بیان کردند که انقلاب

مشروطیت به یک معنا سرآغاز بیداری سیاسی ایرانیان و ورود به عرصه جدید سیاست، حکومت و قانون بود، روشنفکران نوگرای این دوره بیشتر در مورد انجمن‌های مخفی، مانند لژهای فراماسونری فعالیت داشتند.

دوره رضاشاه و محمدرضاشاه در تاریخ تجدد دوره بسیار مهم تلقی می‌شد که در آن تحولات مهمی صورت گرفته، در درجه اول لازم بود تعداد بسیاری از افراد تحصیل کرده و تعلیم یافته، ضروریات یک ارتش نوساخته و توسعه صنعتی و رواج خدمات جدید و وابسته مانند بانکداری را برطرف کنند که همین کار ضرورت توسعه و بهبود تسهیلات آموزشی و تربیت ایرانیان در خارج از کشور را باعث می‌شد (نصیری، ۱۴۰۴: ۴۹-۴۷).

۷- سیاست خارجی دوره اول دولت روحانی (۱۳۹۲-۱۳۹۶)

محورهای اصلی سیاست خارجی دولت روحانی بر اساس قالب‌های آرمانی برای ایجاد تعادل، همکاری و ارتقاء سطح تعامل بین‌المللی شکل گرفته است. دولت روحانی بر پایه گفتمان اعتدال، علیرغم انتقادات وارده به ساختار نظام بین‌الملل، تلاش نمود نگاهی واقع‌بینانه را بر دیپلماسی جمهوری اسلامی حاکم نماید و ایران را به عنوان بازیگری عاقل و خردمند در عرصه روابط بین‌الملل معرفی نماید. روحانی با انتخاب تیم و کادری مجرب در حوزه روابط بین‌الملل، درصدد بود بیشترین بهره را علیرغم محدودیتهای موجود، برای کشور کسب نماید.

۷-۱- هویت ملی

روحانی قرائت خاصی از عناصر هویت ملی دارد و تأثیرگذاری این قرائت بر سیاست داخلی و خارجی باعث سیاستگذاری و جهت‌گیری خاصی در عرصه‌های مختلف شده است. سیاست خارجی روحانی در دوره اول ریاست جمهوری از منظر هویت ملی بر چند مولفه استوار بود که سعی داشت تصویر ایران را از یک

بازیگر تقابلی به یک بازیگر عقلانی و تعامل‌گرا تغییر دهد. اعتدال خواهی را برای کنار هم آوردن توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و عدالت دانست. روحانی و کابینه اش هویت ایران را به عنوان کشوری، عقلانی و اهل مذاکره، مسئول در نظام بین‌الملل و مخالف تنش‌زایی است. این امر در روند مذاکرات هسته‌ای و توافق برجام در سال ۱۳۹۴ نشان داده شدند (بلوکی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۲۶-۲۲۵).

درک و فهم روحانی از تجدد بیشتر اقتصادی بود تا سیاسی. به همین دلیل بیشتر به توسعه اقتصادی بها می‌داد و توسعه سیاسی را در حاشیه قرار می‌داد و بیشتر در سیاست اعلانی بر آن تاکید داشت. گفتمان اعتدال محصول وضعیت اجتماعی شرایط درونی منطقه‌ای و بین‌المللی است. روحانی بر اعتدال و عقلانیت به عنوان مولفه هویت ملی تاکید داشت. گفتمان یازدهم بر پایه اعتدال، تدبیر و تعامل سازنده با جهان شکل گرفت. در این چارچوب هویت ملی نه تنها بر مقاومت ایدئولوژیک بلکه بر ترکیبی از منافع ملی، توسعه اقتصادی و کاهش فشارهای بین‌المللی بود.

روحانی هویت ملی را با توسعه‌گرایی در زمینه اقتصادی می‌دانست و با رفع تحریم‌ها، جذب سرمایه خارجی و عادی‌سازی روابط اقتصادی آن را به عنوان عزت ملی نشان داد. البته همه نیروهای اجتماعی به یکسان خواستار همه این عناصر نبودند؛ برخی بیشتر بر توسعه اقتصادی و برخی دیگر بر وجوه دیگر توسعه تأکید داشتند. از طرف دیگر جامعه ایرانی نیز متأثر از شرایط منطقه‌ای بود. به هر حال تجربه جنگ داخلی سوریه، اشغال خارجی در عراق و افغانستان، مداخله نظامی مستقیم در لیبی ادامه اعتراضات در بحرین، بحران در مصر و مسائل پیش آمده در جامعه بودند.

حزب اعتدال و توسعه، کارگزاران سازندگی، شورای هماهنگی جبهه اصلاحات، مجمع روحانیون مبارز، خانه کارگر، حزب اعتماد ملی، حزب همبستگی، حزب مردم سالاری و... از حامیان گفتمان اعتدال بودند که از حامیان توسعه اقتصادی و سیاسی بودند. فرهنگ سیاسی در گفتمان اعتدال ماحصل تکوین گفتمان انقلاب اسلامی و یک جدال متنی - گفتمانی بین گفتمان های پیشین خود برای تثبیت خود برای تثبیت شکل و محتوای خاصی از صورتبندی قدرت است. دولت روحانی بر حفظ مولفه های سنتی هویت انقلابی تاکید داشت و در عین حال کاملاً از چارچوب های کلان جمهوری اسلامی فاصله نگرفت. حمایت از محور مقاومت، سیاست منطقه ای فعال در سوریه و عراق و تقابل با اسرائیل همچنان ادامه داد. مفهوم اعتدال در صدد پر کردن یا جمع کردن انگاره های سنت و هویت تجدد بود «گفتمان همساز با سنت»، از هویت جمعی بر مبنای معنویت دینی دفاع می کند. نگاه هویتی خواهان یکپارچگی حول وحوش باورها و مناسک دینی است. در نگرش هویتی به منافع ملی، واحدهای سیاسی تلاش دارند تا اهداف خود را بر اساس باورهای ساختاری پیگیری نمایند. در این شرایط ساخت قدرت مدافع یک حکومت تماماً دینی در عرصه سیاسی و سیاست خارجی است. در مقابل سازه گفتمان طور دیگری بود هویت دولت اعتدال هم به هویت مدرن پهلو میزند، هم به دلایل سیاسی از اسلام سنتی فاصله گرفته و هم اینکه از مدرنیته، به توسعه اقتصادی بسنده کرده و به همان نسبت بامبنای فکری مدرنیته فاصله دارد (سنایی، حجت شماتی، ۱۳۹۶، ۱۵۴).

روندهای کنش بازیگران در حوزه سیاست خارجی می بایست با نشانه هایی از کنش ارتباطی، همکاری، تعامل و پذیرش دیگری سامان پیدا نماید. این گفتمان در

عرصه سیاست خارجی تنش‌زدایی را تعقیب می‌کند. بنابراین سه هویت باستانی، اسلامی و مدرن را با هم داشت. بنابراین هویت ملی را ترکیبی از تعامل‌گرایی بین‌المللی و تداوم اصول انقلاب نشان داد. می‌توان به طور کلی گفت عناصر برساخته شدن هویت ملی دولت روحانی شامل:

۱. عقلانیت و خردمحوری (به کارگیری خرد و استدلال عقلی و منطقی و علمی در کلیه تصمیمات و اتکا بر خرد جمعی نخبگان) ۲. باور به نقدپذیری و شفافیت ۳. احترام به قانون‌گرایی و نظم ۴. احترام به کلیه علائق، سلاطین و دیدگاه‌ها ۵. تعامل سازنده و مؤثر با جهان ۶. روایت اصول‌گرایانه و رحمانی از دین (معصومی راد، ۱۳۹۳، ۲۳۱).

۲-۷- جبهه مقاومت

جمهوری اسلامی ایران در سال‌های گذشته، شاهد تغییرات و تحولات مهم و معناداری در منطقه غرب آسیا بوده که مهم‌ترین آنها نهادینه شدن قدرت کنش‌گری جبهه مقاومت به طور عام و کنش‌گران آن در لبنان عراق و فلسطین، سوریه، به طور خاص بوده است. جبهه مقاومت هم از لحاظ نظری و مبانی فکری و هم در عرصه عمل و فعالیت میدانی از مهمترین عناصر مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی بوده است. درحالی‌که کشورهای غربی به گونه‌ی تدریجی جبهه مقاومت را تبدیل بازیگری نموده‌اند که در لیست گروه‌های تروریستی قرار می‌گرفت.

یکی از محورها و دغدغه‌های سیاست خارجی ایران تلاش برای تغییر و تصحیح این تصویر چه در سطح افکار عمومی و چه در اذهان نخبگان و حتی سیاست‌مداران در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است. یکی از اهداف مهم

سیاست خارجی دولت روحانی گسترش و بسط روابط مسالمت‌آمیز و مبتنی بر احترام متقابل با سایر بازیگران در عرضه نظام بین‌الملل بود. جبهه مقاومت با پشت سرگذاشتن موفقیت‌آمیز مرحله تأسیسی اکنون وارد مرحله «کنش‌گری فعال و موثر» شده بود (Cingözand et al, 2024:1-18).

با توجه به روی کار آمدن دولت تدبیر و امید تعریف جدیدی از تعاملات با نظام بین‌المللی در دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران مطرح شد. تعاملاتی که در مرحله جدید مذاکرات هسته‌ای ایران با قدرتهای برتر جهانی شکل جدیدی از حضور و نفوذ ایران در منطقه را باعث شد تأکید جمهوری اسلامی در مواجهه عراق و سوریه با داعش مبتنی بر حفظ تمامیت ارضی دو کشور تامین منافع ملی حداکثری خود و کاهش افراطی‌گرایی در منطقه است.

صرف حضور ایران به عنوان یک کشور بزرگ و نیرومند و نیز به عنوان قطب متحدانش و ترس از گسترش نفوذش جریانهای مختلفی در منطقه ایجاد و با تشدید کرده است. ایران در چارچوب تعاملات با کشورهای دیگر می‌تواند ائتلاف‌ساز باشد. ظهور داعش فرصتهایی برای آزمایش تئوری و عمل جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دولت یازدهم بوده است که بتواند افراط‌گرایی سنی را کنترل کند و نقش و جایگاه ایران را در این منطقه به ظهور بگذارد. توافق ژنو و کاهش تنش در روابط ایران با آمریکا یکی از کلیدهای اصلی و راهگشا در حل و فصل بحرانهای سوریه و عراق بود.

بعد از توافق هسته‌ای و به نتیجه رسیدن برجام ایران به همکاری خود ادامه داد ولی به دلیل ناموفق بودن عملیات هوایی آمریکا وارد شدن روسیه به مرحله عملیاتی و اینکه ایران سوریه و روسیه متحد استراتژیک هم محسوب می‌شدند

گزینه های همکاری برای جمهوری اسلامی ایران متنوع شده بود. نکته خیلی مهم مصمم بودن بازیگر یعنی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران برای منافع ملی کشور ایران بود. خط قرمز برای منافع ملی کشور ایران حفظ تمامیت ارضی کشور عراق بود.

اصول کلی منافع ملی و هویتی در حوزه سیاست خارجی معطوف به چگونگی کنش بازیگران برای نیل به اهداف از طریق کنش مسالمت آمیز می باشد. در این روند بازیگران منطقه از همه ابزارهای ژئوپلیتیک برای رسیدن به اهدافشان استفاده می نمایند. جمهوری اسلامی ایران در مرحله اول اقدام به ارسال کمک به مردم عراق قبل از ارسال کمک هر کشوری نمود مرحله دوم شناخت کشورهای همسو با منافع جمهوری اسلامی ایران مثل روسیه در مبارزه با داعش بود.

مرحله سوم برای داشتن قدرت در مذاکرات برای پیشبرد اهداف و مواضع خود و بر اساس نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر کمکهای تبلیغاتی اقدام به ارسال نیروی سپاه قدس به طور مستقیم به عراق و سوریه کرد. جمهوری اسلامی ایران این مسئله را در سیاستهای اعلامی خود نیز بیان نمود. در مرحله چهارم تبدیل جمهوری اسلامی ایران از یک کشور حامی تروریست در منطقه به کشوری قدرتمند و تاثیرگذار بوده که از استقلال عمل نسبی در برابر قدرت های بزرگ برخوردار می شود.

ایران در مورد چگونگی مبارزه با داعش به خاطر موفقیت های نظامی نیروی زمینی و حضور فعال و موفق در دو کشور عراق و سوریه در کنار موفقیت های بین المللی مثل برجام و گشودن دروازه های خود برای ارتباط موثر و منفعت محور با کشورهای اروپایی و آمریکا بود. هدف سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ایران این بود که در مواجهه با داعش نفوذ و مدیریت خود را در کشورهای بحرانی ادامه دهد و تا جایی که می تواند با کشورهای منطقه ای برای جلوگیری از افراطی گری و بازگشت صلح و ثبات به منطقه همکاری کند و همچنین مداخله خارجی را مدیریت کند (سنایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۷-۱۵۵).

روحانی با تبیین اصل سیاست منطقه ای ایران اعتقاد داشت مبارزه میدانی با تروریسم تکفیری، کمک موثر به صلح، آتش بس و کمک رسانی انسان دوستانه به مردم، عدم تجزیه کشورها و تغییر مرزهای جغرافیایی و تکیه بر صندوق های رای و حاکمیت مردم بر امور کشورهایشان از اصول سیاست منطقه ای است. به باور دولت روحانی با اتخاذ سیاست تنش زدایی و تعامل موثر و سازنده با نظام بین الملل و پذیرش نسبی ساختار موجود، می توان به دستاوردهای قابل قبولی رسید در اینجا به بخشی از سخنان روحانی در شصت و هشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره میکنیم.

مردم ایران در انتخابات اخیر در حرکتی هوشمندانه به گفتمان امید و تدبیر و اعتدال رای دادند. ترکیب امید و تدبیر و اعتدال در سیاست خارجی به آن معناست که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای نسبت به امنیت منطقه و جهان، مسئولانه برخورد میکند و آمادگی همکاری همه جانبه با سایر بازیگران مسئول در این عرصه ها را دارد. ما از صلح مبتنی بر دموکراسی و صندوق رای در همه جای جهان از جمله در سوریه و عراق و دیگر کشورهای منطقه دفاع میکنیم و معتقدیم راههای خشونت آمیز برای بحرانهای جهانی وجود ندارد.

بر اساس چنین نگرشی، کشورهای هویتی برای نیل به اهداف ساختاری تنها به کمک خرد انسانی و با تعامل و اعتدال عمل می نمایند. در این فرآیند، تضمین صلح و دموکراسی و تأمین منافع مشروع همه کشورها در جهان و از جمله در منطقه

خاورمیانه، با نظامیگری محقق نمی‌شود. ایران به دنبال راه حل مسائل و نه تولید مشکلات است. هیچ پرونده و موضوعی نیست که با امید و اعتدال، با احترام متقابل و با نفی خشونت و افراط قابل حل نباشد (بلوکی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۲۶-۲۲۵). بنابراین می‌توان گفت که جبهه مقاومت در سیاست خارجی دولت روحانی در دوره اول بر تعامل و تنش زدایی با غرب و رسیدن به توافق هسته ای متمرکز بود و ایران همچنان از متحدان جبهه مقاومت در عراق و سوریه و فلسطین حمایت می‌کرد. ایران نه تنها رویکرد عقلانی و دیپلماتیک را در پیش داشت بلکه همچنین در مسائل امنیتی منطقه از متحدان خود حمایت می‌کرد. نقش‌یابی دولت روحانی در فضای جبهه مقاومت، ماهیت تعاملی خود با قدرت‌های بزرگ را نیز حفظ نموده و از آن حمایت به عمل آورده است.

جبهه مقاومت در دو دوره ریاست جمهوری روحانی تداوم داشت ولی از نظر گفتمان و شدت بروز متاوت بود. در دوره اول دولت روحانی تمرکز دولت بیشتر بر حل پرونده هسته ای و توافق برجام بود ولی حمایت از جبهه مقاومت در سوریه، عراق و فلسطین را ادامه داد. در این بین در مبارزه با داعش بسیار پررنگ تر عمل کرد که در سوریه و عراق بطور جدی بر ضد داعش فعالیت کرد. این فعالیت‌ها در گفتمان‌های رسمی دولت کمتر نشان داده می‌شد ولی در سطح میدانی و عملیاتی فعال بود.

۸- سیاست خارجی دولت روحانی در دوره دوم (۱۳۹۶-۱۴۰۰)

سیاست خارجی روحانی در دوره دوم ریاست جمهوری با چالش‌ها و مشکلات قابل توجهی روبرو شد. اولین مشکل را می‌توان در ظهور ترامپ و مقابله با انگاره تعارضی وی با برجام جستجو نمود. ترامپ در صدد برآمد تا قابلیت‌های کنش

سیاسی ایران را محدوده و از این طریق به مازاد راهبردی بیشتری نایل شود. بر اساس چنین انگاره‌ای، شاخص‌های اصلی سیاست خارجی روحانی در دولت دوم را می‌توان مبتنی بر قالب‌های مفهومی ذیل مورد توجه قرار داد:

۱-۸- هویت ملی

در دوره دوم ریاست جمهوری روحانی سیاست خارجی دچار تغییرات مهمی شد که عمدتاً به دلیل تحولات بین‌المللی به ویژه خروج آمریکا از برجام بود. در واقع با خروج آمریکا از برجام ضربه‌ای به هویت تعامل گرا دولت وارد شد. در سال ۱۳۹۷ دولت دونالد ترامپ از برجام شد و باعث سیاست تعامل پذیر و قابل اعتماد دولت روحانی با چالش‌هایی مواجهه شود. با توجه به گفت‌وگوهای اعتدال اعتماد کردن به غرب کمتر و تضعیف شد و سبب شد دولت روحانی با فشار داخلی برای تغییر رویکرد مواجه شود.

هویت ملی که در دوره اول بر پایه تعامل سازنده و اعتدال تاکید داشت در دوره دوم بیشتر حالت تقابلی، دفاعی و انتقادی پیدا کند. اگرچه روحانی همچنان بر دیپلماسی تاکید داشت ولی بصورت پررنگ تری به مولفه هویت مقاومتی برگشت. ولی در عمل انجام تعهدات برجانی کاهش یافت، مقاومت فعال بیشتر نشان داده شد و دولت از اروپا فاصله گرفت. با این حال دولت روحانی سعی می‌کرد نشان دهد که به تعهدات پایبند است ولی آمریکا ناقض توافق بود.

هویت ملی در این دوره حول حقانیت بر حقوق ایران و بی‌اعتمادی ایجاد شده از طرف آمریکا نشان داده می‌شد. در این دوره سیاست خارجی دولت روحانی از نظر هویت ملی بیشتر به سمت تاکید داشتن بر استقلال و ایستادگی در برابر فشارهای خارجی سوق پیدا کرد. به ناچار در جبران تحریم‌ها از سوی اروپا، دولت روحانی روابط با چین و روسیه را در اولویت قرار داد و گفت‌وگوهای سیاست

خارجی دولت به سمت شرق تقویت شد. دولت سعی داشت هویت خود را به عنوان قدرتی مستقل از غرب و دارای شرکای جایگزین مناسب تر نشان دهد. اگر بخواهیم هویت ملی را در دوره اول و دوم ریاست جمهوری روحانی مقایسه کنیم مشخص شد که در دوره اول هویت ملی در سیاست خارجی اعتدال گرا و تعامل گرا به منظور توسعه بوده و کشوری عقلانی، مذاکره پذیر و مسئول در نظام بین الملل نشان داد که اوج آن توافق برجام بود که با هدف رفع تحریم ها و تقویت توسعه اقتصادی و رفاهی بود. اما در دوره دوم آن هویت به طرف هویتی مقاومتی برای رفع تحریم ها و مقاومت برای توان اقتصادی و حفظ عزت دولت بود.

۲-۸- جبهه مقاومت

در دوره دوم ریاست جمهوری روحانی سیاست خارجی از منظر جبهه مقاومت تغییر کرد و وارد مرحله ای فعال تر شد. دولت روحانی موضعی عمل گرایانه تر اتخاذ کرده بود و نقش آن در بررسی رفتار ایران در خاورمیانه افزایش یافت. پس از خروج آمریکا از برجام تقابل با آمریکا تشدید شد. در این دوره هویت سیاسی جبهه مقاومت بسیار برجسته تر و مهم تر نشان داده شد. مطالعات نشان دادند این شبکه از بازیگران متحد ایران با بهره گیری از ظرفیت های منطقه ای و تعامل با تهران، یکی از مولفه های مهم در حوزه امنیت و نفوذ منطقه ای ایران بوده است (خانی، ۱۴۰۲: ۴۵).

در این دوره پس از خروج آمریکا از برجام و افزایش فشارهای منطقه ای جبهه مقاومت نقشی مهم در سیاست خارجی روحانی پیدا کرد. ایران از متحدان خود نه تنها در عمل بلکه در گفتمان رسمی سیاست منطقه ای بیشتر دفاع کرد که اینکار

برای تقویت امنیت ملی در برابر نفوذ آمریکا و اسرائیل انجام شد. تحقیقات نشان دادند که سیاست خارجی دولت روحانی در این دوره در چارچوبی برای تثبیت چندگانه امنیت ملی و منافع راهبردی و هویتی بوده است (عرب عامری و همکاران، ۱۴۰۲: ۸۶-۱۰۸).

روحانی در این دوره مقاومت را نقشی بازدارندگی نامتقارن در مقابل تهدیدات خارجی می دانست. روحانی حمایت از بازیگران همسو در سوریه، عراق و فلسطین را در شکل گیری عمق راهبردی و افزایش هزینه تهدیدها برای رقبا را اولویت می دانست. تحولات سوریه پس از شکست داعش و تثبیت موقعیت نیروهای همسو با ایران نشان دهنده تقویت این کارکرد ژئوپلیتیکی بودند. شبکه محور مقاومت در عراق، سوریه و فلسطین با ثبات تر شد و از موقعیت واکنشی خارج شد (سیمبر، ۱۴۰۲: ۱۰۶-۸۹).

در عراق پس از شکست داعش در سال ۲۰۱۷ نیروهای حشد الشعبی در دولت رسمی عراق ثابت شدند و به مهار باقیمانده های گروه داعش پرداختند. ایران در این دوره بر انسجام و تداوم این گروه موثر بود. ترور شهید قاسم سلیمانی در سال ۱۳۹۸ نقطه عطفی مهمی بود که جبهه مقاومت را به مسئله ای هویتی تر تبدیل کرد، فشارهای سیاسی برای کم کردن حضور آمریکا در عراق بیشتر شد و رقابت ایران و آمریکا در عراق افزایش پیدا کرد (international crisis group, 2020).

در دوره دوم دولت روحانی جبهه مقاومت به قسمتی ثابت و استراتژیک در سیاست خارجی ایران تبدیل شده بود چون حضور و نفوذ خود را در کشورهای منطقه تثبیت کرد و سعی کرد از تحولات سیاسی و امنیتی پس از بحران های اولیه مانند شکست داعش بهره ببرد و بتواند شبکه ای محکم از جبهه مقاومت را شکل دهد. جبهه مقاومت در گفتمان رسمی پررنگ تر شد و به عنوان هویت ملی منطقه

ای ایران نشان داده شد، و دولت روحانی توانست در مقابل فشارهای اقتصادی و سیاسی یک چهره قدرتمند از نقش خود در غرب آسیا نشان دهد (خانی، ۱۴۰۲: ۷۳-۸۸).

جبهه مقاومت که شبکه ای از گروه های متحد ایران در خاورمیانه است نقش مهمی در سیاست خارجی ایران دارد. در دوره دوم دولت روحانی مفهوم جبهه مقاومت فراتر از روابط نظامی بود و به شبکه ای منعطف با کارکردهای سیاسی، امنیتی و اجتماعی تبدیل شد. محور مقاومت در پاسخ به فشارها، شبکه ای چندلایه ایجاد کرد که توانست مقاومت را در روابط با داخلی و منطقه ای حفظ کند و در برابر حملات خارجی تاب بیاورد. مطالعات نشان دادند که شبکه جبهه مقاومت در مواجهه با فشارهای خارجی مانند کمپین فشار حداکثری آمریکا یا تنش های نظامی با اسرائیل توانست انعطاف پذیری و سازگاری نشان دهد. بنابراین جبهه مقاومت در دوره دوم روحانی به ابزاری راهبردی در حفظ نفوذ ایران در منطقه تغییر کرد (mansour and Al-shakeri, 2025:28).

در سوریه با کاهش جنگ های گسترده و تمرکز جبهه مقاومت به ثبات دولت دمشق و روند های سیاسی مانند آستانه کشیده شد. روحانی در این میان از مداخله میدانی گسترده فاصله گرفت و به طرف ثبات سیاسی امنیتی رفت (2021:27-29 international crisis group). در این بین حملات هوایی اسرائیل به اهداف وابسته به ایران در سوریه رخ داد که نشانگر ثبات رقابت بازدارنده بود (international institute or strategic studies, 2021).

در مورد فلسطین دولت روحانی در دوره دوم حمایت سیاسی و کمک های مالی به گروه هایی مانند حماس و جنبش جهاد اسلامی فلسطین را ادامه داد و به آن به صورت بازدارندگی منطقه ای نگاه کرد. بعد از توافق های عادی سازی در

سال ۲۰۲۰ بین دولت های عربی و اسرائیل، گفتمان مقاومت در تهران پررنگ تر شد و حمایت از فلسطین را به عنوان مولفه ای هویتی راهبردی در نظر گرفتند (Carnegie endowment for international peace, 2021).

دولت روحانی تلاش نمود تا رابطه قدرت و هویت را با یکدیگر پیوند داده و از این طریق کنش سیاسی و سیاست خارجی ایران را در وضعیت تعامل سازنده با کشورهای منطقه ای و قدرت های بزرگ قرار دهد. جبهه مقاومت در دوره دوم دولت روحانی به یک سازه چندگانه امنیتی، سیاسی، هویتی تغییر کرده که به حفظ جایگاه منطقه ای ایران در شرایط فشارهای خارجی کمک کرده است. این تحول نشان دهنده تغییر از رویکرد واکنشی به رویکرد تثبیتی راهبردی در سیاست منطقه ای روحانی بوده است.

نتیجه گیری

در این تحقیق با استفاده از رویکرد سازه‌انگاری و رهیافت «هویت ساختار» سعی شده تا تاثیر هویت ملی و جبهه مقاومت بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت روحانی (۱۳۹۲-۱۴۰۰) مورد بررسی قرار گیرد. البته باید گفت هویت ملی و جبهه مقاومت تنها عامل موثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیستند بلکه عوامل دیگری مانند تاریخ، منطقه، نظام بین الملل بر سیاست خارجی تاثیرگذار هستند. در این تحقیق گفتیم که از دید نظریه سازه‌انگاری هویت‌ها مبنای اصلی برساخته شدن منافع ملی هستند و هر هویت خاص منافع خاصی را دنبال می‌کند.

ایران دوران روحانی نشانه‌هایی از کنش ارتباطی بازیگران در حوزه سیاست خارجی را منعکس می‌ساخت. کنش ارتباطی دولت خاتمی مبتنی بر نظریه هویت و ساختار بوده است. روحانی در صدد بیآمد تا سیاست هویت در عرصه جبهه

مقاومت را با ضرورت‌های ساختار نظام بین‌الملل پیوند داده و بر این اساس از سازوکارهای کنش تعاملی با جهان غرب بهره گرفت. هویت کشورها چگونگی تدوین و شکل‌گیری منافع ملی را تعیین می‌کنند. به عبارت دیگر، منافع ملی کشورها برخاسته از هویت مبتنی بر هنجارهای بین‌ذهنی مشترک بین کنش و رفتار کشورها در نظام جهانی منتهی می‌شوند.

این پژوهش با بررسی دگرگونی‌های محیطی تأثیرگذار در تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و همچنین تغییر گفتمان از اصولگرایی تهاجمی به اعتدال‌گرایی و تعامل سازنده در صدد برآمد تا شکل جدیدی از الگوی رفتاری را در دستور کار قرار دهد. محور اصلی تفکر سیاست خارجی روحانی معطوف به چگونگی پیوند هویت ملی و جبهه مقاومت بوده و بر این اساس تلاش کرد تا منافع ملی ایران را با دو حوزه یاد شده پیوند دهد.

دولت روحانی از سازوکارهای تغییر مرحله‌ای سیاست خارجی ایران بهره گرفته و ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای در صدد برآمد تا زمینه‌های تغییر در جهت‌گیری سیاست خارجی ایران را به وجود آورد. کنش تعاملی ایران از سال ۱۳۹۲ بر نشانه‌هایی از چندجانبه‌گرایی و همکاری‌های نهادی سامان یافته و این امر تأثیر خود را در روندهای سیاست خارجی به‌جا گذاشت. به نظر می‌رسد دو دوره ریاست جمهوری روحانی موجبات تغییر در سطح جامعه جهانی و منطقه‌ای در جهت منافع ایران را فراهم ساخته و با تغییر در نگاه دولتمردان و طرفداران تحریم و فشار، زمینه‌های تعامل با ایران را تقویت کرده است.

کنش تعاملی دولت روحانی با کشورهای منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ را می‌توان به‌عنوان بخشی از سازوکارهای سیاست خارجی بازیگرانی دانست که از قابلیت لازم برای اثربخشی در محیط پیرامونی برخوردارند. سیاستی که روحانی در پیش گرفت تابع تغییرات نظام بین‌المللی کشور و پارادیم‌های حاکم بر آن بود. این سیاست تابع اصول و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده منافع ملی جمهوری اسلامی ایران بود، به طوری‌که هم از لحاظ هویت ملی و هم در عملیاتی کردن آن به دنبال ایفای نقش جمهوری اسلامی ایران در عرصه منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بوده است.

جبهه مقاومت با پشت سرگذاشتن دوران پرفراز و نشیب شکل‌گیری و رشد خود در دهه سوم قرن بیست و یکم توانست به یک بازیگر مهم در منطقه غرب آسیا و سیاست بین‌الملل تبدیل شود. در هم شکستن دولت خودخوانده داعش در عراق و فشار فزاینده بر آمریکا برای پایان دادن به اشغال عراق در کنار تقویت جایگاه حزب الله در لبنان و حماس و جهاد اسلامی در فلسطین در نبرد نامتقارنشان با رژیم صهیونیستی و جایگاه سوریه همگی مویذ این استدلالند که جبهه مقاومت در دوران و شرایط کاملاً جدید و متفاوت راهبردی و میدانی در دوران ریاست جمهوری روحانی نسبت به گذشته قرار گرفت.

بررسی رفتار سیاست خارجی در دو دوره دولت روحانی، گویای آن است که مجموعه دستگاه سیاستگذاری خارجی کشور کوشیده با برساختن چهره‌ای متفاوت از جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازیگری فعال و مسؤولیت‌پذیر در عرصه صلح و امنیت، تصویر برساخته‌پیشین از آن را تغییر داده و تهدیدها و تضییقات بین‌المللی علیه کشور کاهش دهد. منفعت ملی و جهتگیری سیاست خارجی دولت روحانی بر ایند قرائت محاسبه‌گرایانه از انگاره‌های هویتی اسلام با

تاکید بر توسعه اقتصادی تعریف میشد. سیاست خارجی روحانی غیر ایدئولوژیک؛ ترکیبی متعادل از ذهنیت و عینیت مبتنی بر مؤلفه‌های سازه انگارانه و عمل‌گرایی در جهت منافع ملی است.

منابع

۱. باقری نیا، حدیث مکرمی پور، محمدباقر شیروودی، محمد سجادی و زهره محمدی (۱۴۰۲)، «بررسی شناخت ظرفیتها و وجه اشتراک ملی ایران با کشورهای جهان اسلام به سود جبهه مقاومت (مطالعه موردی؛ عراق، یمن، فلسطین)»، فصلنامه غرب آسیا، سال اول / شماره سوم. صص ۵۳-۶۶.
۲. بلوکی، صالح، مهدی خوش‌خطی، کشاورز و بهمن قاسم‌آبادی (۱۴۰۲)، «بررسی تطبیقی گفتمان سیاست خارجی دولت روحانی و دولت احمدی نژاد»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نوزدهم. شماره سوم. صص ۲۴۰-۲۱۵.
۳. خانی، محمدحسن (۱۴۰۲)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تحولات جدید در جبهه مقاومت»، دوفصلنامه علمی دانش سیاسی، ویژه نامه اول "مقاومت". صص ۷۳-۸۸.
۴. ساداتی نژاد، سید محمد و سید علی ساداتی نژاد (۱۴۰۰)، «بازتابهای حضور جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا»، فصلنامه دانشنامه علوم سیاسی، سال دوم. شماره ۲. صص ۸۹-۱۱۰.

۵. سنایی، اردشیر و رضا شمامی (۱۳۹۶)، «مواضع گفتمانی و جهت گیری های سیاست خارجی جمهوری اسلامی»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره ششم. اول.
۶. سیمبر، رضا (۱۴۰۲)، «تحلیل کارکردهای مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *دانش سیاسی*، دوره ۱۹، ویژه نامه اول؛ مقاومت، صص ۱۰۶-۸۹.
۷. شکری رفسنجانی، رضا، گلناز امجدی و احسان کریمی میبدی (۱۴۰۳)، «تحلیل سازه انگارانه دیپلماسی رسانهای صدا و سیما ج.ا.ا. برای تحقق منافع ملی در دوران پسابرجام»، *فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم*، دوره ۱۴، شماره ۲، پیاپی ۳۷، صص ۱۳۳-۱۰۵.
۸. عرب عامری، مصطفی و اسما امامی (۱۴۰۲)، «عزت طلبی به مثابه سیاست خارجی؛ چهارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی ایران و محور مقاومت»، *دو فصلنامه علمی پژوهش های سیاست اسلامی*، دوره ۱۱، شماره ۲۴، صص ۱۰۸-۸۶.
۹. کاستلز، امانوئل (۱۳۸۹)، «عصر اطلاعات»، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: انتشارات طرح نو، جلد ۲، چاپ ششم.
۱۰. معصومی راد، رضا (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی گفتمان های سیاسی در دهه چهارم انقلاب اسلامی (با تاکید بر گفتمان اعتدال)»، در کتاب *رهیافت هایی بر گفتمان اعتدال*، به کوشش ابراهیم حاجیانی با همکاری زهرا بهبهانی. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

۱۱. نصیری، سوناز (۱۴۰۴)، «نقش و کارکرد هویت ملی در شکل‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، دوره ۶، شماره ۳، شماره پیاپی ۲۳، صص ۴۱ - ۶۵.

۱۲. پایگاه اطلاع رسانی رئیس جمهور، (۱۳۹۴/۷/۱۸)، «رئیس جمهوری در همایش بین‌المللی صنعت و تجارت: مسیر ایران اسلامی»، مسیر رونق پایدار، اشتغال زایی و توسعه.

۱۳. خبرگزاری ایسنا، (۲۷ مهر ۱۳۹۴)، «در دیدار سفیر فلسطین، ظریف: آن‌هایی که قدرت ایران را در بوق و کرنا می‌کنند آب به آسیاب صهیونیست‌ها می‌ریزند».

۱۴.

برگزاری نواندیش، (۱۳۹۲/۱۰/۱۸)، «تحلیل توماس فریدمن از منازعه فلسطین و رژیم صهیونیستی».

15.ÁLVAREZ PORTAS, Martina(2020), “National identity and Foreign policy: a brief analysis of their connection in Russia”, **Openion Paper**. IEEE 25./2020.

16.Carnegie endowment for international peace (2020-2021), “**Analyses on the Abraham accords and regional alignments**”.

17. International crisis group (2019-2021), “**Iraq and Syria report**”.
18. International institute for strategic studies (2019-2021), “**The military balance**”.
19. Mansour, dr renad, al-shakeri, hedar(2025), the shape-shifting “axis of resistance”, **Chatham house**.
20. Murat Cingöz, Fulya Özkan, Yavuz Selim Alkan & Ramazan İzol (2024), “Iran’s axis of resistance through the lens of ontological security”, **Third World Quarterly**, Vol. 45, No.3, pp.1-18.
21. Padin, Mohammad, Arghavani Pirsalami, Fariborz, Salehi, Seyed Javad (2024), “National Interests and Ideology in Iran's Foreign Policy toward the United States: A New Perspective from the Lens of Identity Realism”, **Center for Strategic Research**, Vol. 14, No. 2, Issue. 38, PP. 369-388.